

امکان سنجی جرم انگاری براندازی نرم نظام اسلامی با رویکرد به مفهوم بغی^۱

علمی - پژوهشی

محمد صادق ایران عقیده *

علیرضا صابریان **

سید علی جبار گلباغی ***

چکیده

براندازی نرم نظام اسلامی که در شمار انقلاب‌های مخملی و رنگی قرار دارد، از مباحث مستحدثه و نوظهور در ادبیات فقه سیاسی و جزایی اسلام و برخی از دیگر رشته‌های علوم انسانی است که امروزه، نظر صاحبان اندیشه در این رشته‌ها را به خود جلب کرده است. شیوه و نوع اقدامات براندازان نرم، نوعاً، بهره‌گیری از فن‌آوری‌های نوینی مانند: شبکه‌های ماهواره‌ای و فضای مجازی، در کنار استفاده از سمن-ها و اعتراضات مدنی گسترده، جهت مقابله با نظام‌های مستقل و مشروع است که نظام اسلامی هم از این تهدید جدی، مستثنی نیست. تفاوت اقدامات براندازی نرم نظام اسلامی با براندازی سخت و سنتی آن، مانند: بغی، در شکل و شیوه‌های اجراء است؛ هر چند که هدف و نتیجه‌ی هر دوی آن‌ها مقابله با نظام اسلامی و سقوط آن است. این واقعیت، ضرورت سخن از جرم انگاری براندازی نرم نظام اسلامی را نمایان می‌سازد.

۱- تاریخ وصول: ۱۳۹۹/۰۹/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۰۶

* دانشجوی دکترای فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

Hadi.iran.۵۱@gmail.com

** استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران (نویسنده

مسئول). Alireza.saberyan@gmail.com

*** استادیار گروه فقه و حقوق، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران. gholbaghi@liau.ac.ir

توجه به وسعت مفهومی و شرایط بغی و وحدت هدف و نتیجه بین بغی و براندازی نرم نظام اسلامی، بغی را یکی از عناوین مجرمانه‌ای در فقه جزایی قرار می‌دهد که می‌توان از امکان جرم انگاری براندازی نرم نظام اسلامی، در قالب آن، سخن راند. مقاله‌ی حاضر، در پی تبیین مفهوم براندازی نرم نظام اسلامی و تطبیق آن با مفهوم و شرایط جرم بغی، امکان جرم انگاری براندازی نرم نظام اسلامی را تحت عنوان مجرمانه‌ی بغی می‌سنجد و مستند به تحلیل فقهی جرم بغی، براندازی نرم نظام اسلامی را پدیده‌ی مجرمانه‌ی نوظهوری تحت عنوان جرم بغی و از مصادیق نوین و امروزی آن، نتیجه می‌گیرد.

کلید واژه‌ها: براندازی نرم، جرم انگاری براندازی نرم نظام اسلامی، بغی و براندازی نرم

طرح مسأله

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و استقرار جمهوری اسلامی، مخالفان و دشمنان نظام جمهوری اسلامی ایران، با هدف براندازی و نابودی این نظام مشروع و مردمی برخاسته از اراده‌ی امت ایران اسلامی، به اقدامات گوناگونی مانند: قیام مسلحانه، ترور، جنگ و ... متوسل شدند، لکن در نیل به هدف مذکور، ناکام ماندند. امروزه، قدرت‌های مستکبر جهان، با دریافت ناکارایی اقدامات فیزیکی برای براندازی نظام‌های مشروع و مردمی، شیوه‌ی متفاوتی برگزیده‌اند که در ادبیات سیاسی معاصر، به نام-هایی مانند: انقلاب‌های رنگین و مخملی و براندازی نرم، براندازی در سکوت، براندازی از درون و براندازی سفید و سبز، شناخته می‌شوند (عرف، ۱۳۸۷، ۲۰).

بی‌تردید، نمی‌توان هر انتقاد و مخالفت با سیاست و عملکرد حاکمیت و حکمروایی را مخالفت با کلیت و اصل نظام و اقدام به براندازی، به شمار آورد؛ زیرا بسیاری از مخالفان و منتقدان تصمیمات و سیاست‌های حکمرانی حاکمیت نیز بیان خطاها و لغزش‌های احتمالی و اصلاح امور را در قالب انتقاد و مخالفت، ابراز می‌دارند و نه براندازی نظام مشروع که طراحان و کارگزاران براندازی نرم، به دنبال آن هستند.

اقدامات فیزیکی، مانند: ترور، تخریب، درگیری مسلحانه که برای مقابله و سرنگونی نظام اسلامی انجام می‌گیرد، در شمار موضوعاتی است که در مجامع احادیث فقهی و متون فقه جزایی با عناوینی مانند: محاربه، بغی و افساد فی الارض، جرم انگاری و مورد بحث و بررسی قرار گرفته است (طوسی، ۱۴۰۰، ۷/۷۲۰؛ همو، ۱۴۰۷، ۵/۴۵۸؛ ابن براج، ۱۴۰۶، ۲/۵۵۳؛ ابن زهره، ۱۴۱۷، ۲۰۱؛ حلبی، ۱۴۰۳، ۲۵۲؛ علامه حلی، ۱۴۱۳، ۹/۲۵۶؛ خوبی، ۱۴۱۸، ۴۱/۳۸۵؛ وحید خراسانی، ۱۴۲۸، ۳/۴۹۹). به گواهی

بررسی متون و منابع تاریخی، در زمان‌های گذشته، براندازی نرم نظام اسلامی، با به کارگیری شیوه-های نرم براندازی، فاقد فراوانی و شیوع بود و بدین جهت، متون فقه جزایی نیز به بحث درباره‌ی این شیوه‌ی مجرمانه، توجه کمتری نشان داده است؛ از این رو، بحث درباره‌ی جرم انگاری براندازی نرم نظام اسلامی، در شمار مباحث مستحدثه و نوظهور در فقه سیاسی و جزایی اسلام قرار دارد. مقاله پیش رو، با هدف تبیین مبانی فقهی جرم انگاری براندازی نرم نظام اسلامی، در پژوهشی کتابخانه‌ای، به روش توصیفی تحلیلی، با استمداد از منابع اجتهادی و متون و آراء فقهی فقیهان امامیه، مترصد اثبات این فرضیه است که با توجه به وسعت مفهومی و شرایط بغی و وحدت هدف بین براندازی نرم و جرم بغی، امکان انطباق براندازی نرم، با جرم بغی، فراهم است و می‌توان براندازی نرم نظام اسلامی را با لحاظ معیارهای فقهی، تحت عنوان جرم بغی، جرم انگاری و کیفرگذاری کرد.

۱- براندازی نرم

براندازی نرم، اجرای برنامه‌ای حساب شده، مسالمت آمیز و دراز مدت، برای نفوذ در ارکان سیاسی یک نظام، به منظور تغییر سیستم سیاسی یک کشور و یا ایجاد تغییر و تحول اساسی در باورهای اصلی آن است. امروزه، از براندازی نرم، با تعابیر مختلفی نام برده می‌شود که هر چند ممکن است دارای تفاوت‌های ظریفی با یکدیگر داشته باشند، اما همه‌ی آنها، بیانگر معنی و هدف مشترکی هستند که ساقط کردن نظام حاکم با روش‌های نوعاً، مسالمت آمیز است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸، ۱۵۷).

۱-۱- تعریف براندازی نرم

براندازی، در لغت، به معنای تغییر شکل دادن، دگرگون سازی، واژگون سازی، از میان برداشتن و نابود کردن است (دهخدا، ۱۳۷۳، ۳/۳۰۷۴) و در اصطلاح، به معنای انهدام و سرنگونی نظام سیاسی مستقر و تغییر نظام حکمروایی از طریق انجام اعمال و فعالیت‌های غیرقانونی، ضد مصالح یک کشور است (رستمی، ۱۳۸۶، ۱۵۵؛ فاروقی، ۲۰۰۸، ۵۰۵؛ قهرمان پور، ۱۳۹۳، ۲۷۴).

اصطلاح براندازی نرم، از واژه‌های جدید در ادبیات فقه سیاسی معاصر است و نام برای اقداماتی غیر قانونی است که با کمترین خشونت، جهت سقوط و یا تغییر نظام‌های سیاسی حاکم و مشروع و یا نخبگان سیاسی در کشور اجراء می‌گردد؛ ساقط کردن نظام و حکومتی مشروع، با استفاده از روش‌های مسالمت آمیز و تاثیر گذاری بر اعتقادات و باورهای شهروندان و بی اعتماد کردن عقبه حکومت و در

نهایت، فروپاشی از درون و اضمحلال حکومت است (آقابابایی، ۱۳۸۶، ۲۲۸). تفاوت براندازی نرم، با براندازی سخت و سنتی، در شکل و اجرای آن است و در واقع، نتیجه‌ی آن‌ها یکسان است؛ کارگزاران براندازی نرم می‌کوشند، در ارتباطات اجتماعی، بستری فراهم سازند تا در مرحله‌ی نخست، میزان مشروعیت و مقبولیت خود را در جامعه‌ی هدف، افزایش دهند و پس از آن، به روش‌های مختلف، نسبت به دگرگونی نظام سیاسی مستقر و مشروع، اقدام کنند. براندازی نرم که از ابزارهای جنگ نرم به شمار می‌آید، خلاف جنگ سخت، از سه مؤلفه‌ی: فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، در جامعه‌ی هدف، بهره می‌گیرد و از ویژگی‌های بسیار متنوعی برخوردار است؛ تغییر قالب‌های ماهوی جامعه و ساختار سیاسی، آرام و تدریجی بودن، زیر سطحی بودن، نماد سازی، پایداری و بادوام بودن، پرتحرک و جاذبه دار بودن، هیجان سازی، آسیب محوری، چند وجهی بودن و تضاد و تردید آفرین بودن، از ویژگی‌های اصلی براندازی نرم است (انگوتی گلنگدیری، ۱۳۹۶، ۱۷).

۱-۲- شرایط براندازی نرم

می‌توان موارد پنج‌گانه‌ی زیر را اساسی‌ترین شرایط تحقق براندازی نرم شمرد:

الف) وجود نظام مشروع

ب) تهاجم به نظام باورها و ارزش‌های حاکم بر جامعه

پ) تحریک منتهی به شورش

ت) وجود سازمان و تشکیلات

ج) قصد براندازی نظام مشروع

براندازی نرم، مقابله‌ی سازمان یافته و مهندسی شده، با نظام مشروع و مردمی، از طریق هجمه به نظام باورها، هنجارها و ارزش‌های حاکم بر جامعه، با توسل به ابزارهای فرهنگی، رسانه و شبکه‌ها و فضای مجازی است؛ نوعی سرنگونی تدریجی، آرام و از درون نظام سیاسی مشروع حاکم بر جامعه، با هجوم همه جانبه به باورها، هنجارها و ارزش‌های حاکم بر جامعه، در همه‌ی حوزه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، به منظور تغییر و یا ایجاد تردید و تزلزل در باورها، آرمان‌ها، هنجارها و ارزش‌های حاکم بر جامعه و جایگزینی آن‌ها با باورها، آرمان‌ها، هنجارها و ارزش‌های جدید مورد نظر است؛ بدین روش که دشمنان نظام مشروع سیاسی، در پی شناسایی اشخاص متزلزل، خود باخته و خود فروخته‌ی ساکن در داخل و خارج از کشور، با استخدام و سازماندهی آنان، به

مهندسی و راه اندازی شبکه‌های کوچک و بزرگ داخلی و خارجی، با عناوین و اشکالی موجه همانند: اندیشکده‌ها، نهادهای دفاتر، کانون‌ها، انجمن‌های فرهنگی، هنری، علمی، صنفی، تبلیغی، خبری و ... مبادرت می‌ورزند تا از طریق سامانه‌های فرهنگی، رسانه‌ها، شبکه‌ها و فضای مجازی، با اجرای تکنیک‌های تحریف، کتمان حقیقت، بیان گزینشی واقعیت، افکار سازی، اغراق، شایعه سازی، فریب، دروغ پراکنی، ایجاد تفرقه، شبهه افکنی، ابهام گویی، برچسپ زنی، ترور شخصیت، استفاده از نمادهای جنسی، بزرگ نمایی برخی از مشکلات و ناکامی‌های مدیریتی و ده‌ها تکنیک دیگر، به نقد و ایجاد تردید، تزلزل و شبهه نسبت به باورها، هنجارها و ارزش‌های حاکم بر جامعه، آرمان‌ها و نمادها و شخصیت‌های برجسته، مقبول و مؤثر سیاسی، مذهبی و فرهنگی جامعه و نیز نشان دادن فرسودگی و ناکارآمدی نظام حاکم و ناتوانی کارگزاران آن می‌پردازند و از این رهگذر، با انجام این گونه از فعالیت‌های منسجم سازمان یافته و تشکیلاتی، فضای یاس و ناامیدی، خود باختگی و عدم اعتماد به نفس، سوء ظن و بدبینی، افسردگی و ترس از آینده و نمای تاریک و مبهم را برای افراد جامعه‌ی هدف، ایجاد و حاکم می‌سازند و در پی آن، با ادبیاتی قابل پذیرش عوام و خواص، به طرح شعارهایی می‌پردازند که آرام، آرام، توده‌های مردم را به گام پوییدن در مسیر اهداف خود، فریب می‌دهند و هدایت می‌کنند و در نتیجه، اراده‌ی خود را بر ملت هدف، تحمیل می‌کنند و با تغییر آرام و تدریجی نظام ارزش‌ها، آرمان‌ها و الگوهای رفتاری رایج و معمول جامعه هدف و رواج و ایجاد مقبولیت همگانی نظام ارزش‌ها، آرمان‌ها و الگوهای مورد نظر خود، از رژیم‌های سیاسی حاکم، مشروعیت زدایی می‌کنند و کشور هدف را به اشغال فکری و فرهنگی خود در می‌آورند و در نهایت، با طرح مباحث تحریک آمیز در مطبوعات و رسانه‌ها در قالب مطالبات مدنی و همگانی، زمینه را برای راه اندازی اجتماعات و اغتشاشات و به خیابان آوردن عمال و فریب خوردگان داخلی خود و تحریک مردم به حضور در این تجمعات غیر قانونی، به نام اعتراضات صنفی و مدنی و طرح شعارهای تند سیاسی و هنجار شکنانه، فراهم می‌سازند؛ فضای سیاسی جامعه را ملتهب و متشنج نگه می‌دارند و با برهم زدن ثبات سیاسی کشور و ایجاد و راه اندازی اغتشاشات، آشوب‌ها و شورش‌های فراگیر و همگانی، نظام سیاسی مشروع و یا حاکمان منتخب را با به صحنه کشاندن برخی از مردم فریب خورده‌ی جامعه، تغییر و یا سرنگون می‌سازند و نظام حکومتی و یا افراد دست نشانده‌ی خود را در راس حکومت قرار می‌دهند (همان، ۳۵).

۲- نظام اسلامی

واژه‌ی نظام، مصدر فعل: نَظَمَ يَنْظِمُ، در لغت، به معانی متعدد و گاه نزدیک به هم، استعمال گردیده است؛ مانند: نظم و ترتیب دادن، جمع و ضمیمه کردن، ملاک، روش و رویه، عادت، گره، قرار دادن مهره‌ها در یک سلک و ردیف، نخ‌ی که با آن، مروارید و مانند آن را رشته کنند و مرتب سازند (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۵۷۸/۱۲؛ طریحی، ۱۴۱۶، ۱۷۶/۶) و در اصطلاح، به مجموعه‌ای از عناصر و اجزاء متفاوت گفته می‌شود که بین آن‌ها چنان ترتیب و رابطه‌ای منظم و بنیادین، وجود دارد که در قالب پدیده‌ی واحدی پدیدار می‌شوند و هر چند که هر جزء وظیفه خاص و متفاوتی با دیگر اجزاء دارد، اما از لحاظ کارکردی، به صورت در هم تنیده، عمل می‌کنند. واژه‌ی نظام، اصطلاحی است که در دانش-های متعدد بشری و نوعاً، به صورت مضاف، مستعمل است. در ادبیات فقه سیاسی، همانند حقوق عمومی و اساسی، از واژه‌ی نظام، حکومت و نظام سیاسی، مراد است (قاضی، ۱۳۶۸، ۳۱۵-۳۱۶؛ هاشمی، ۱۳۷۷، ۵۵/۱-۵۶؛ گلباغی ماسوله، ۱۳۹۷، ۱۱۳).

به گزارش برخی از نوشته‌های فقیهان امامیه، ترکیب واژگانی نظام اسلامی، در معنای عام، برای مجموع سامان سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ارزش‌ها و باورهای جامعه‌ی اسلامی به کار می‌رود که ساختار جامعه‌ی اسلامی بر آن، استوار است؛ بدین گونه که در صورت اختلال در آن‌ها، نظم زندگی و معیشت مردم به خطر می‌افتد و جامعه‌ی اسلامی دچار هرج و مرج می‌شود و از این رو، حفظ موجودیت اسلام و پاسداری از حاکمیت اسلامی و جلوگیری از رخنه دشمن به حوزه‌ی سرزمینی اسلام، به آن، وابسته است (نایینی، ۱۴۱۷، ۳۹-۴۰؛ منتظری، ۱۴۰۹، ۸/۱، ۱۶۲، ۱۶۷؛ عمید زنجانی، ۱۳۸۴، ۳۵) که جلوه و نمود عینی و خارجی آن، نظام سیاسی، حکومت و دولت مشروع اسلامی و ارکان آن است و این، همان معنای مقصود از نظام اسلامی در این نوشتار است (منتظری، ۱۴۰۹، ۱۶۷/۱، ۱۸۷).

۳- بغی

کلمه‌ی بغی، در لغت، به معنای: ظلم، فساد، تعدی، قصد و طلب فساد، افراط و تجاوز از حد شیئی و تجاوز و عدول از حق به سوی باطل، مستعمل است (ابن فارس، ۱۳۸۷، ۲۷۲/۱؛ فراهیدی، ۱۴۱۰، ۴۵۳/۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۲۴، ۱۳۶؛ جوهری، ۱۴۰۷، ۲۲۸۱/۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ۷۸/۱۴) و در اصطلاح فقهی، قیام و شورش به صورت جمعی و سازمان یافته، علیه امام و حاکم عادل و حکومت

مشروع اسلامی و قوانین آن، به منظور سرنگونی و تغییر حاکم و یا حکومت مشروع اسلامی است (طوسی، ۱۳۸۷، ۲۶۴/۷؛ ۱۴۰۰، ۲۹۶؛ محقق حلی، ۱۴۰۸، ۳۰۷/۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۳، ۴۴۸/۴؛ همو، ۱۴۲۰، ۲۲۹/۲؛ همو، ۱۴۱۰، ۳۵۱/۱؛ حائری طباطبایی، ۱۴۱۸، ۲۳/۸؛ اردبیلی، ۱۴۰۳، ۵۲۴/۷؛ کاشف الغطاء، ۱۴۲۲، ۳۶۷/۴؛ نجفی، ۱۳۶۷، ۳۲۲/۲۱، ۳۲۴؛ حسینی شیرازی، ۱۹۸۸، ۱۳۱/۴۸).

با توجه به اطلاق ادله‌ی جرم انگاری بغی (برای نمونه: حجات/۹؛ حرعاملی، ۱۴۱۴، ۸۳-۸۰/۱۵، ب۲۶)، تحقق جرم بغی، به خروج بر امام معصوم (ع) محصور نیست و شامل خروج بر حکومت مشروع اسلامی است که حاکم آن، امامی عادل است؛ چه اینکه اطلاق آیه‌ی شریفه‌ی نهم سوره‌ی مبارکه‌ی حجات، شامل همه‌ی زمان‌ها، از جمله، عصر غیبت است و در روایت ابن مغیره (همان، ۸۱-۸۰/۱۵، ب۲۶ ح ۳) نیز امام (ع) تنها میان امام جائز و عادل تفضیل داده است و نه معصوم و غیر معصوم (حسینی شیرازی، ۱۹۸۸، ۱۳۱/۴۸؛ منتظری، ۱۴۰۹، ۱۲۹/۱).

این سخن که اطلاق ادله‌ی جرم انگاری بغی، به امام معصوم (ع) انصراف دارد، گمانه‌ای است که مانع از شمول عنوان بغی، بر خروج علیه حکومت مشروع اسلامی نیست؛ زیرا عموم ملاک احکام بغی، تمام کسانی را در بر می‌گیرد که در عصر غیبت، به قصد براندازی حکومت مشروع اسلامی، با آن، به مبارزه بر می‌خیزند؛ چه اینکه عدم مقابله با اشخاص مذکور، اساس نظام عدل اسلامی را به تزلزل و اختلال، دچار می‌سازد و هرج و مرج را در جامعه اسلامی در پی دارد و البته، قطعاً، شارع مقدس اسلام، به چنین اموری، راضی نیست (حسینی شیرازی، ۱۹۸۸، ۱۳۱/۴۸؛ مرعشی شوشتری، ۱۳۷۹، ۱۷۸).

۴- شرایط تحقق بغی

ادبیات فقه امامیه، شرایط ذیل را برای تحقق جرم بغی، بیان می‌دارد:

الف) مشروعیت نظام و حاکم عادل

بغی، قیام و خروج علیه حکومت اسلامی و حاکم عادل مشروع است؛ لذا قیام علیه نظام سیاسی که فاقد مشروعیت است و یا حاکمی که فاقد شرایط لازم برای تصدی امر حکومت است، جرم بغی دانسته نمی‌شود (طوسی، ۱۴۰۰، ۲۶۴/۷؛ نجفی، ۱۳۶۷، ۳۳۲/۲۱، ۳۳۲؛ حسینی شیرازی، ۱۹۸۸، ۱۳۱/۴۸؛ عمید زنجانی، ۱۳۹۳، ۳۳۰/۳).

ب) شورش مسلحانه

شرط دیگر تحقق جرم بغی، شورش و قیام مسلحانه و درگیری فیزیکی است؛ بنابر این، صرف اعلام نظر و انتقاد و اعتراض زبانی علیه حکومت و اعتراضات مدنی و تجمعات مسالمت آمیز، در صورت منتهی نشدن به درگیری مسلحانه، جرم بغی، به شمار نمی‌آید (نجفی، ۱۳۶۷، ۳۲۴/۲۱؛ کاشف الغطاء، ۱۴۲۲، ۴۰۴/۲؛ حسینی شیرازی، ۱۹۸۸، ۱۳۱/۴۸).

ج) وجود تأویل یا شبهه

یکی دیگر از شرایط لازم برای تحقق جرم بغی، وجود تأویل و یا شبهه است. مقصود از تأویل و شبهه این است که بغات، برای اقدامات خود علیه حکومت و حاکم، به دلایل و توجیهاتی مانند: فساد و ناکارآمدی حاکم، قانون گریزی و انحراف حاکم از وظایف شرعی و انتخاب حاکم خلاف موازین اسلامی و مبانی شرعی، دست یازند؛ از این رو، آن دسته از مخالفان نظام و حکومت اسلامی که بدون طرح و دستاویز ساختن شعارهای سیاسی ناظر بر مشروعیت نظام، به شورش علیه حکومت اسلامی اقدام می‌کنند، محارب به شمار می‌آیند و احکام محارب بر آنان جاری است (ابن براج، ۱۴۰۶، ۳۲۲/۱؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰، ۱۵/۲؛ علامه حلی، ۱۴۱۲، ۱۶۹/۱۵؛ همو، ۱۴۱۴، ۴۳-۴۱/۹؛ اردبیلی، ۱۴۰۳، ۵۲۴/۷؛ سبزواری، ۱۴۲۳، ۳۶۹/۱؛ حائری طباطبایی، ۱۴۱۸، ۳۳/۸؛ نجفی، ۱۳۶۷، ۳۲۴-۳۲۳/۲۱؛ سبزواری، ۱۴۱۳، ۲۰۱/۵؛ هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۸، ۳۳۲؛ عوده، ۱۹۹۴، ۶۷۹/۲).

د) وجود سازمان و تشکیلات

تعریف بغی، به قیام و شورش گروهی و دسته جمعی سازمان یافته، علیه امام و حاکم عادل و حکومت مشروع اسلامی، به منظور سرنگونی و تغییر حاکم و یا حکومت مشروع اسلامی، بیانگر وجود سازمان و تشکیلاتی بین بغات است که قیام و خروج گروهی آنان را علیه حکومت اسلامی، سامان می‌دهد؛ از این رو، شورش و اقدامات هیجانی افراد علیه حکومت اسلامی که به صورت مشارکت جمعی و گروهی انجام می‌یابد و نیز خروج انفرادی از اطاعت حاکم اسلامی، جرم بغی، شمرده نمی‌شود (طوسی، ۱۳۸۷، ۲۶۵/۷؛ علامه حلی، ۱۴۱۲، ۹۸۳/۲؛ شهید ثانی، ۱۴۱۹، ۴۰۷/۲؛ حائری طباطبایی، ۱۴۱۸، ۲۶/۸؛ نجفی، ۱۳۶۷، ۳۶۸/۲۱؛ حسینی شیرازی، ۱۹۸۸، ۱۳۱/۴۸).

۵- ادله‌ی جرم انگاری بغی

گذشته از ادعای اجماعی بودن جرم انگاری بغی (نجفی، ۱۳۶۷، ۳۲۴/۲۱)، فقهای امامیه، دلایلی برای جرم انگاری بغی، بیان می‌دارند که ذیلاً، برخی از آن‌ها گزارش می‌شود:

الف) آیه‌ی شریفه‌ی ۹ سوره‌ی مبارکه‌ی حجرات

« وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتُلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتَ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ ».

همان گونه که ملاحظه می‌شود، واژه: بَغَتُ، به کار رفته در آیه‌ی شریفه، با ملاحظه‌ی عبارت: « حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ »، ناظر به کشمکش‌هایی است که اگرچه به ظاهر میان دو گروه از مسلمانان (غیر کافران) است، ولی مآلاً، این نزاع، قیام علیه امام عادل و ضد حکومت اسلامی است و از این رو، آیه‌ی شریفه، بیانگر حکم بغی مصطلح در ادبیات فقه سیاسی و جزائی است (مرعشی شوشتری، ۱۳۷۹، ۱۷۴)؛ چنانکه بسیاری از فقیهان امامیه نیز آیه را در مقام جرم انگاری بغی می‌دانند (ابن براج، ۱۴۰۶، ۳۲۲/۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۲، ۱۶۹/۱۵؛ همو، ۱۴۱۴، ۴۱/۹-۴۳؛ اردبیلی، ۱۴۰۳، ۵۲۴/۷؛ سبزواری، ۱۴۲۳، ۳۶۹/۱؛ حائری طباطبایی، ۱۴۱۸، ۳۳/۸؛ نجفی، ۱۳۶۷، ۳۲۳/۲۱؛ هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۸، ۳۳۲؛ سبزواری، ۱۴۱۳، ۲۰۱/۵).

با توجه به اینکه واژه‌ی طایفه، مذکور در صدر آیه‌ی شریفه، به وجود هویت جمعی و وجود رهبری اشعار دارد که جمعیت را فراهم می‌آورد و آن را هدایت می‌کند، این بخش از آیه‌ی شریفه که می‌فرماید: « فَإِنْ بَغَتَ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ » بغی را ظلم و تجاوزی معرفی می‌کند که گروهی طغیانگر بر جامعه‌ای روا می‌دارند که در رأس آن امام عادل، قرار دارد؛ از این رو، آیه‌ی شریفه، با استعمال واژه‌های: مؤمن، اصلاح، عدل و قسط، مقابله با امام مسلمانان و حکومت مشروع اسلامی را در قالب تجاوز و طغیان گروهی علیه گروهی دیگر بیان می‌دارد.

ب) روایات

در مجامع احادیث فقهی، تعداد زیادی روایت وجود دارد که وجوب مقابله و احکام جزایی بغات را بیان و بدین شیوه، بغی و رفتار بغات را جرم انگاری کرده اند که سه روایت زیر، از آن جمله است:

۱- روایت ابی‌البختری:

« عَنْ السُّنْدِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي الْبَخْتَرِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ (ع) أَنَّهُ قَالَ: الْقَتْلُ، قِتْلَانٍ: قَتْلُ كَفَّارَةٍ وَ قَتْلُ دَرْجَةٍ؛ وَ الْقِتَالُ، قِتَالَانِ: قِتَالُ الْفِتْنَةِ الْبَاغِيَّةِ، حَتَّى يَفِيئُوا؛ وَ قِتَالُ الْفِتْنَةِ الْكَافِرَةِ، حَتَّى يُسَلِّمُوا » (جرعاملی، ۱۴۱۴، ۸۳/۱۵، ب ۲۶ ح ۱۱).

جمیبری، صاحب کتاب قرب الاسناد، از سندی از ابی البختری از امام صادق (ع) و ایشان از پدر بزرگوارشان امام باقر (ع)، و ایشان نیز از حضرت امام علی (ع) نقل می‌کنند که حضرت امام علی (ع) فرمودند: کشتن، دو نوع است: یکی، قصاص که کفاره گناه قتل عمد است و دیگری، کشتن در راه خدا است؛ و جنگیدن نیز دو نوع است: جنگیدن با گروه باغیان، تا زمانی که آنان، به فرمان برداری و اطاعت از امام برگردند؛ و جنگیدن با گروه کافران تا اینکه اسلام آورند.

۲- روایت ابن مغیره:

« وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ بُنَانَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ الْمُعْبِرَةِ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: ذُكِرَتْ الْحُرُورِيُّهُ عِنْدَ عَلِيٍّ (ع)، فَقَالَ: إِنْ خَرَجُوا عَلَى إِمَامٍ عَادِلٍ أَوْ جَمَاعَةٍ، فَقَاتِلُوهُمْ، وَ إِنْ خَرَجُوا عَلَى إِمَامٍ جَائِرٍ، فَلَا تُقَاتِلُوهُمْ؛ فَإِنَّ لَهُمْ فِي ذَلِكَ مَقَالًا » (همان، ۸۱-۸۰/۱۵، ب ۲۶ ح ۳).

شیخ طوسی، به سند روایی مذکور، به ابن مغیره، از امام صادق (ع) از امام باقر (ع) روایت میکند که امام باقر (ع) فرمودند: نزد علی (ع) از حروریه (گروه‌های از خوارج) سخن رفت که حضرت امام علی (ع) فرمودند: اگر آنان بر امام و حاکم عادل یا جماعتی از مؤمنان، قیام و شورش کردند، با آنان به جنگ برخیزید؛ و اگر بر امام و حاکم ستمگر شوریدند با آنان نجنگید؛ چرا که آنان برای این اقدام خود، سخن و استدلالی دارند.

۳- روایت عبد الرحمن بن حجاج:

« عَنْهُ عَنِ الْحَبَّالِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحُسَيْنِ اللَّوْلُؤِيِّ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَقُولُ: كَانَ فِي قِتَالِ عَلِيٍّ (ع) أَهْلَ الْقَبِيلَةِ، بَرَكَهٌ؛ وَ لَوْ لَمْ يُقَاتِلَهُمْ عَلِيٌّ (ع)، لَمْ يَدِرْ أَحَدٌ بَعْدَهُ كَيْفَ يَسِيرُ فِيهِمْ » (همان، ۸۱/۱۵، ب ۲۶ ح ۵).

شیخ طوسی، به سند روایی مذکور، به عبدالرحمن بن حجاج، روایت می‌کند که عبدالرحمن بن حجاج می‌گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که حضرت فرمودند: جنگ امام علی (ع) با باغیان، مایه برکت بود؛ زیرا اگر حضرت امام علی (ع) با این گروه باغی نمی‌جنگیدند، بعد از ایشان، کسی نمی‌دانست که چگونه با آنان رفتار کند.

مفاد روایات مذکور، از مسئولیت کیفری و قابلیت مجازات اقدام و رفتار کسانی سخن می‌راند که علیه امام و حاکم عادل و جامعه‌ی مسلمانان، خروج می‌کنند و سر به شورش می‌نهند. این روایات، با تجویز مبارزه و قتال با باغیان، قتل را مجازات و واکنش کیفری علیه باغیان بیان می‌دارند و بدین شیوه، به

جرم انگاری و کیفرگذاری بغی می‌پردازند که اگر اراده‌ی تشریحی شارع مقدس، چنین نبود، حضرت امام علی (ع) جنگ با باغیان و کشتن آنان را تجویز و امر نمی‌کردند و خود به قتال و جنگ با باغیان و کشتن آنان روی نمی‌آوردند و حضرت امام صادق (ع) نیز این اقدام و واکنش کیفری حضرت امام علی (ع) را مایه‌ی برکت نمی‌خواندند.

ج) عقل

امنیت، نخستین شرط ضروری، برای تحقق و بقای یک جامعه‌ی سالم است. از اولین و مهمترین وظایف اصلی و اساسی هر حکومت و نظام سیاسی، به ویژه حکومت اسلامی، تأمین امنیت جامعه و مقابله با هرگونه تهدیدات داخلی و خارجی است؛ چه اینکه امنیت، یکی از موضوعات اساسی است که حیات انسان‌ها و سامان دهی عرصه‌های مختلف زندگی بشری، به آن، وابسته است؛ رشد فضایل اخلاقی، عمران و آبادانی کشور، رفاه فردی و اجتماعی و سعادت دنیوی و اخروی افراد جامعه، در سایه‌ی امنیت تحقق می‌یابد؛ از این رو، آسیب و اختلال در امنیت جامعه، آسیب و اختلال در کل ساختار زندگی اجتماعی است؛ بدین جهت، واکنش اجتماعی و برخورد دولت‌ها، با ناقضان امنیت، بسیار شدید است. جرم انگاری اقدام علیه امنیت داخلی و خارجی، و تعیین و اعمال شدیدترین مجازات‌ها، برای ناقضان امنیت، در سیاست جنایی و کیفری همه‌ی نظام‌های کیفری دنیا، مشهود است.

تردید نیست که ایجاد التهاب و برهم زدن ثبات سیاسی کشور، با اقدامات جمعی علیه هر حکومت و نظام سیاسی مشروع از مصادیق آشکار اقدام علیه امنیت است که جرم انگاری آن، مورد وفاق جهانی است و بغی، قیام و شورش گروهی و دسته جمعی سازمان یافته، علیه حاکم عادل و حکومت مشروع اسلامی، به منظور تغییر حاکم و یا سرنگونی حکومت مشروع اسلامی است و بر آحاد مردم، اقدام به دفع باغیان، لازم و واجب است و بر امام جامعه به طریق اولی؛ از این رو، اقدامات بغات، از مصادیق نمایان نقض امنیت است و در نتیجه، تحت شمول لزوم جرم انگاری نقض امنیت قرار می‌گیرد (نجفی، ۱۳۶۷، ۲۱/۱۶؛ منتظری، ۱۴۰۹، ۱۲۸/۱).

۶- براندازی نرم و تحقق بغی

اکنون، پس از تعریف و تبیین مفهوم هر یک از بغی و براندازی نرم و نیز بیان شرایط آنان، می‌توان برای اثبات فرضیه‌ی امکان انطباق براندازی نرم نظام اسلامی با جرم بغی و جرم انگاری براندازی نرم نظام اسلامی، تحت عنوان جرم بغی، به موارد زیر استدلال آورد:

۱-۶- انطباق تعریف بغی بر براندازی نرم نظام اسلامی

التفات به تعریف و مقایسه براندازی نرم نظام اسلامی، با جرم بغی، انطباق و همپوشانی تعریف بغی را بر براندازی نرم نظام اسلامی نمایان می‌سازد و براندازی نرم نظام اسلامی را از مصادیق جرم بغی و در شمول ادله‌ی جرم انگاری آن، قرار می‌دهد؛ چه اینکه بغی، قیام و شورش جمعی و سازمان یافته، علیه حاکم و حکومت مشروع اسلامی و به منظور سرنگونی و تغییر حاکم و یا حکومت مشروع اسلامی است (ابن زهره، ۱۴۱۷، ۲۰۰؛ کیدری، ۱۴۱۶، ۱۸۷؛ حلی، ۱۴۰۵، ۲۴۱؛ کاشف الغطاء، ۱۴۲۲، ۴/۳۶۷؛ خویی، ۱۴۱۰، ۳۶۱/۱؛ تبریزی، ۱۴۲۶، ۳۷۰/۱؛ وحید خراسانی، ۱۴۲۸، ۴۰۷/۲؛ عمید زنجانی، ۱۳۸۴، ۳/۳۲۸) و براندازی نرم نظام اسلامی نیز سلسله اقدامات و عملیات هماهنگ سازمان یافته‌ای است که به صورت جمعی و با انگیزه‌ی انهدام و سقوط نظام سیاسی و حکومت اسلامی مشروع و یا هیأت حاکم و جایگزینی آن با جانشین مورد نظر، انجام می‌یابد؛ این اقدامات، اگرچه در ابتداء، مسالمت آمیز و به صورت هجمه به نظام باورها، هنجارها ارزش‌ها، آرمان‌های جامعه است، ولی در انتها، همانند بغی، با خشونت و شورش جمعی، همراه است (حسینی شیرازی، ۱۹۸۸، ۱۳۱/۴۸؛ قهرمان پور، ۱۳۹۳، ۲۷۴؛ آقابابایی، ۱۳۸۶، ۲۲۸).

بسی روشن است که جعل احکام شرعی برای موضوعات، به صورت قضایای حقیقیه است و موضوع قضایای حقیقیه، اعم از افراد محقق الوجود و مقدر الوجود است؛ یعنی: به مکان، مخاطب و افراد موجود در یکی از زمان‌های حال، گذشته و آینده، محدود نیست و افراد فرضی و تقدیری را نیز در برمی‌گیرد. در قضایای حقیقیه، حکم، بر عنوان و طبیعت کلی، بدون در نظر گرفتن افراد خارجی، حمل می‌شود و بدین جهت، به تمام افراد طبیعت، سرایت پذیر است؛ طبیعت در تمام افراد خود، تحقق می‌یابد و در نتیجه، حکم نیز در افراد طبیعت، اعم از فعلی و تقدیری، جاری می‌شود؛ چه اینکه نمی‌توان لوازم طبیعت شیئی را از آن، منفک و جدا ساخت (نابینی، ۱۳۷۶، ۱۷۰/۱-۲۷۶؛ خویی، ۱۳۵۲، ۴۴۱/۱؛ حکیم، ۱۹۷۹، ۳۰۱؛ حکیم، ۱۴۰۸، ۴۵۵/۲؛ سبحانی، ۱۴۲۳، ۴۲/۲؛ طوسی، ۱۴۰۷، ۲۳۵/۹؛ بحرانی، ۱۴۰۵، ۳/۳۵۵؛ حائری طباطبایی، ۱۴۱۸، ۴۲۲/۱۶؛ نجفی، ۱۳۶۷، ۹۴/۴۳؛ مراغی، ۱۴۱۷، ۲۸/۱). اگر جعل احکام برای عناوین شرعی، از سنخ قضایای حقیقیه دانسته نشود، این احکام، صرفاً برای مشافهین عصر معصوم (ع) دارای حجیت هستند (محقق حلی، ۱۴۲۳، ۷۵؛ علامه حلی، ۱۳۸۰، ۵۰؛ میرزای قمی، ۱۳۷۸، ۵؛ راقی، ۱۳۸۴، ۱۷؛ خویی، ۱۳۵۲، ۳۸۱/۲؛ سبحانی، ۱۴۱۳، ۳۱۹/۱-۳۲۰).

فخلعی، گلباغی ماسوله، ۱۳۹۳، ۱۱۴).

بغی نیز عنوانی شرعی است که بر اساس اراده تشریحی شارع مقدس، جلّ و علی، در عالم ظاهر، جرم انگاری و کیفرگذاری شده است؛ از این رو، از مجعولات شرعی و جعل آن نیز از سنخ قضایای حقیقیه است که در نتیجه، به زمان، مکان و مخاطب خاص محدود و محصور نیست و قابلیت تطبیق را بر همه‌ی افراد بغی، یعنی: همه‌ی افراد و مصادیق مقابله و معارضه با حکومت و نظام اسلامی و امام جامعه اسلامی، در همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها و به همه‌ی اشکال آن دارد که از آن جمله، براندازی نرم نظام اسلامی است؛ بنابر این، با التفات به مطالب بیان شده، براندازی نرم نظام اسلامی تحت عنوان مجرمانه بغی قرار دارد؛ زیرا همان گونه که از عنوان و تعریف براندازی نرم نظام اسلامی، نمایان است، براندازی نرم نظام اسلامی، چیزی جز مقابله و معارضه با حکومت و نظام اسلامی و امام جامعه اسلامی نیست.

۲-۶- شمول ادله ی جرم انگاری بغی نسبت به براندازی نرم نظام اسلامی

از اطلاق آیه‌ی شریفه‌ی ۹ سوره‌ی مبارکه‌ی حجرات، و مفاد روایات باب بغی (حر عاملی، ۱۴۱۴، ۸۳-۸۰/۱۵، ب۲۶)، چنین استنباط می‌شود که تحقق جرم بغی، به عصر و زمان حضور امام معصوم (ع) منحصر نیست و عصر غیبت را نیز در بر می‌گیرد و از این رو، مقابله و دفع تعدی و تجاوزی که گروه باغیان علیه کیان و جامعه اسلامی و امام عادل مسلمین، انجام می‌دهند، از وظایف و تکالیف شرعی است و در این خصوص، بین عصر حضور و غیبت، تفاوتی نیست (ابن براج، ۱۴۰۶، ۳۲۲/۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۲، ۱۶۹/۱۵؛ همو، ۱۴۱۴، ۹ / ۴۱-۴۳؛ کاشف الغطاء، ۱۴۲۲، ۳۶۷/۴؛ نجفی، ۱۳۶۷، ۳۲۳/۲۱؛ سبزواری، ۱۴۲۳، ۳۶۹/۱؛ هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۸، ۲۳۳).

از آنجا که براندازی نرم نظام اسلامی، مآلاً، خروج و شورش علیه امام عادل و جامعه‌ی مسلمانان، برای مقابله و سرنگونی حکومت مشروع اسلامی است (قهرمان پور، ۱۳۹۳، ۲۷۵) و در روایات نیز خروج و شورش علیه امام عادل و جامعه‌ی مسلمانان، به بغی، تعریف و شناخته می‌شود (حر عاملی، ۱۴۱۴، ۸۳-۸۰/۱۵، ب۲۶)، تردیدی وجود ندارد که براندازی نرم، یکی از مصادیق و شیوه‌های نوین بغی و تحت شمول عنوان آن، قرار دارد؛ از این رو، اطلاق و شمول آیات و روایات جرم انگاری بغی، براندازی نرم نظام اسلامی را نیز در برمی‌گیرد و در نتیجه، مجازات و واکنش کیفری بیان شده برای بغی، در روایات مذکور، در خصوص براندازی نرم و براندازان نرم نظام مشروع اسلامی نیز جاری است.

بدین شیوه، از مفاد روایات مذکور، جرم انگاری و کیفرگذاری براندازی نرم استنباط می‌شود؛ اینکه چون، براندازی نرم نظام اسلامی، نوعی بغی است، اقدامات براندازان نرم نظام اسلامی، همان مسئولیت و مجازات و واکنش کیفری را برای آنان در پی دارد که رفتار باغیان، برای بغات.

بسی آشکار است که در آیه‌ی شریفه‌ی ۹ سوره‌ی مبارکه‌ی حجرات، حکم به قتال و نبرد، بر بغی معلق است و بغی، دلیل و علت حکم مذکور در این آیه است که به هر شیوه و شکلی امکان تحقق دارد؛ هرچند به حسب ظاهر در تحقق آن، سلاح به کار نرود (مرعشی شوشتری، ۱۳۷۹، ۱۷۴)؛ از این رو، اطلاق بغی، هر گونه اقدام به براندازی نظام اسلامی را اعم از نرم و سخت، چه در زمان حضور و چه در زمان غیبت، در بر می‌گیرد.

وفق مستفاد از ذیل آیه‌ی شریفه‌ی مذکور، حفظ و بقاء نظام اسلامی و وجود ثبات و امنیت در مملکت اسلامی، غرض شارع از جعل حکم بغی و مقابله با گروه باغیان است و البته، در این غرض، بین عصر حضور و غیبت، تفاوتی نیست؛ از این رو، دست کشیدن از جرم انگاری و کیفرگذاری براندازی نرم نظام اسلامی که از مصادیق نوظهور بغی است، نادیده گرفتن و نقض غرض مورد اشاره شارع، در آیه-ی شریفه‌ی مذکور است.

در روایات وارده‌ی دال بر مقابله با شورشگران علیه امام عادل جامعه‌ی اسلامی و اقدام کنندگان بر براندازی حکومت اسلامی، همانند روایت ابی‌البختری (حرعاملی، ۱۴۱۴، ۸۳/۱۵، ۲۶ ح ۱۱) و ابن مغیره (همان، ۸۱-۸۰/۱۵، ۲۶ ح ۳) واژه‌ی بغی و خروج، به صورت عام و مطلق، مستعمل است و با توجه به اینکه مفهوم بغی و خروج، به اطلاق و عموم خود، هرگونه شورش مسلحانه و غیر مسلحانه و اقدام به براندازی نرم و سخت را علیه حکومت و حاکم مشروع جامعه اسلامی، در برمی‌گیرد (مرعشی شوشتری، ۱۳۷۹، ۱۷۹)، براندازی نرم نظام اسلامی نیز در دایره‌ی شمول مفهوم بغی جای می‌گیرد و به جهت انطباق عنوان بغی بر آن، در شمول دلالت روایات بغی قرار می‌گیرد و بدین طریق، امکان جرم انگاری براندازی نرم نظام اسلامی با رویکرد به مفهوم بغی، اثبات و جرم انگاری براندازی نرم نظام اسلامی و حکم براندازان نرم نظام اسلامی از روایات بغی استنباط می‌شود.

همچنین، تردیدی نیست که براندازی نرم، از موارد نمایان نقض و اقدام آشکار علیه امنیت سیاسی، ملی و اجتماعی است و رفتار براندازان نرم نیز تجلی و ظهور فعلی و عملی نیت سوء و حالت خطرناک آنان است (انگوتی گلنگدری، ۱۳۹۶، ۱۵۷) و از این رو، عقل به قبح براندازی و اقدامات براندازان و نیز

حسن دفع و لزوم مبارزه و مقابله با براندازی و رفتار براندازان نرم و در نتیجه، جرم انگاری و کیفرگذاری آن، حکم می‌دهد؛ چراکه امنیت، شرط بقاء و دوام جامعه است و اختلال در نظام اجتماعی و امنیت عمومی نیز تنها، به کشیدن سلاح منحصر نیست، بلکه فتنه‌انگیزی، ایجاد تفرقه و دشمنی بین مردم نیز مصداق آشکار اختلال نظام و امنیت است.

با توجه به قبح عقلی عدم جرم انگاری و کیفرگذاری براندازی نرم نظام اسلامی، از آنجا که جرم انگاری و کیفرگذاری براندازی نرم نظام اسلامی، در قانون مجازات اسلامی و متون روایی و فقهی مصرح نیست و با التفات به اینکه میان جرایم موجود و مذکور در قانون مجازات اسلامی و متون روایی و فقهی، جرم بغی، از جهت توصیف و نتیجه مجرمانه و نیز ملاک، مصلحت و ضرورت جرم انگاری و مقابله و مبارزه با آن، به گونه‌ای است که براندازی نرم، بیشترین نزدیکی و همانندی را با آن دارد، عقل، قیاس جرم انگاری و کیفرگذاری براندازی نرم را به بغی، تجویز می‌کند؛ چنانکه اصل ۱۶۷ قانون اساسی نیز به کوشش برای به دست آوردن حکم مواردی که مسکوت، مجمل و غیر مصرح است از طریق مراجعه به فتاوی و منابع معتبر اسلامی ارشاد می‌کند.

۳-۶- انطباق شرایط بغی بر براندازی نرم نظام اسلامی

مطالعه ی تطبیقی شرایط تحقق هر یک از بغی و براندازی نرم نظام اسلامی نشان می‌دهد که شرایط تحقق براندازی نرم نظام اسلامی، همانند شرایط تحقق بغی و بلکه مندرج در آن است و در نتیجه، از این امر حکایت می‌کند که براندازی نرم نظام اسلامی، از مصادیق جرم بغی و در شمول جرم انگاری آن، قرار دارد؛ چه اینکه تحقق براندازی نرم نظام اسلامی، همانند تحقق بغی، به وجود نظام حکومت اسلامی مشروع و قیام علیه آن، وجود سازمان و تشکیلات و قصد سرنگونی و تغییر نظام اسلامی مشروع، مشروط است (طوسی، ۱۴۰۰، ۲۹۷).

در خصوص مشروط بودن بغی، به شورش مسلحانه علیه نظام اسلامی (کرکی، ۱۴۱۴، ۴۳۸/۳؛ حسینی روحانی، ۱۴۱۲، ۱۰۷/۱۳)، باید گفت: گذشته از اینکه دلیل خاصی دال بر انحصار بغی، به شورش مسلحانه، وجود ندارد و اطلاق ادله‌ی باب بغی، شورش و قیام غیر مسلحانه را نیز در بر می‌گیرد و اقدامات مسلحانه، در تحقق بغی، موضوعیتی ندارد (نجفی، ۱۳۶۷، ۳۲۴/۲۱) و از این رو، هر اقدام و خروج جمعی سامان یافته علیه نظام سیاسی و حکومت اسلامی مشروع و حاکم عادل آن، به منظور سقوط و تغییر آن، بغی به شمار می‌آید، هرچند مسلحانه نباشد، عملیات اجرایی براندازی نرم نیز

نوعداً، با تحریک، تشویق و ترغیب توده‌های آسیب دیده‌ی جامعه، از طریق بمباران تبلیغاتی و ترویج عناصر فرهنگ بیگانه با به کارگیری جاذبه‌های تولید رسانه‌ای، سرمایه گذاری بر روی گروه‌های سیاسی اجتماعی و بزرگ نمایی بعضی از نقایص و اشتباهات دولتمردان و رواج و شایعه‌ی تهمت‌های ساختگی و جعلی، به منظور تاثیرگذاری بر شرایط سیاسی و امنیتی کشور با استفاده از اهرم‌های فشار، مانند: تحصن‌ها و تظاهرات غیر قانونی و اردوکنشی‌های خیابانی، ایجاد شورش‌های اجتماعی برای گسست میان جامعه و دولت و جا به جایی قدرت، در قالب حرکت‌های اعتراضی هماهنگی است، که در نهایت، به اغتشاشات و اقدامات مسلحانه منتهی می‌شود و این، همان مشروط بودن براندازی نرم نظام اسلامی به تحریک منتهی به شورش است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸، ۱۵۹-۲۲۰؛ مرعشی شوشتری، ۱۳۷۹، ۱۸۳؛ منتظری، ۱۴۰۹، ۱/۲۴۱).

از توضیح شرط وجود تأویل یا شبهه برای بغی که پیش از این، بیان گردید، آشکار است که بغات، در دستاویز ساختن توجیهاات و ادعاهای دروغینی مانند: فساد و ناکارآمدی حاکم، قانون گریزی و انحراف حاکم از وظایف شرعی و انتخاب حاکم خلاف موازین اسلامی و مبانی شرعی، در واقع، ایجاد شبهه، تردید، اغواگری، تاثیرگذاری بر افکار آحاد مردم، انحراف اذهان و تسلط بر احساسات آنان را از طریق عملیات روانی، در سطح جامعه، دنبال می‌کنند و بدین روش، نظام باورها و ارزش‌های حاکم بر جامعه را مورد هجمه، قرار می‌دهند که مشروعیت نظام و حکومت اسلامی، بر آن، استوار است و از این رو، شرط تهاجم به نظام باورها و ارزش‌های حاکم بر جامعه که براندازی نرم نظام اسلامی به آن، مشروط است، بیان دیگری از تأویل و شبهه است که امروزه، در ادبیات فقه سیاسی، مصطلح است؛ چه اینکه براندازان نرم نظام اسلامی افزون بر القاء شبهات دینی درباره‌ی احکام و قوانین دین اسلام، تحریف مفاهیم دینی، ایجاد ازدگی نسبت به برخی از احکام و شعائر دینی، با سیاسی جلوه دادن آن‌ها و جایگزینی ارزش‌های مادی دنیوی به جای ارزش‌های انسانی و اسلامی، تخریب چهره‌ی اسلام و مسلمانان، باورسازی‌های غلط و اشاعه‌ی آن در جامعه و ناکارآمد جلوه دادن قوانین حکومت دینی و ضمانت اجرایی آن‌ها و همچنین ترویج سبک زندگی التقاطی، با نشر اکاذیب و شایعات و ایجاد عملیات روانی و تصویرسازی رسانه‌ای، به مخاطب، چنین القاء می‌کنند که نظام اسلامی، فاقد اعتبار و مشروعیت است و به خواسته‌های مردمی توجهی ندارد و مسئولان کشور نیز افرادی بی کفایت، فاقد مهارت و توانایی لازم برای اداره کشور هستند و بیش از آنکه در پی تحقق خواسته‌های مردم باشند،

درگیر چالش و کشمکش با یکدیگر برای کسب قدرت سیاسی هستند (انگوتی گلنگدری، ۱۳۹۶، ۴۹-۵۵؛ قهرمان پور، ۱۳۹۳، ۷۴۹؛ عبداللهی، ۱۳۹۰، ۱۸۵-۱۹۳).

۴-۶- وحدت ملاک بین بغی و براندازی نرم

احکام کیفری در فقه جزایی اسلام، بر جلب مصالح و دفع مفاسد، استوار است. خداوند سبحان، برای انتظام امور بندگان و رفع فتنه و فساد در زمین، احکام کیفری: حدود، قصاص و دیات را وضع و تشریح کرده است، تا زاجر نفوس شریره از ارتکاب فتنه و فساد، و داعی به سلوک طریق صلاح و سداد باشد؛ به عبارت دیگر، هر قاعده‌ی حقوق کیفری و یا هر حکمی که قانونگذار، در حوزه‌ی جرم انگاری و کیفرگذاری، تشریح و قانونگذاری می‌کند، برای حفظ مصلحت، یا جلب منفعت و یا دفع مفسده‌ای است؛ از این رو، مبنای احکام در فقه جزاء و حقوق کیفری، حفظ مصالح جامعه و دفع مفاسد نوعی است که آن نیز بر نظم عمومی مبتنی است؛ بنابر این، جرم، یعنی: ارتکاب هر رفتاری که مانع تحقق مصلحت و یا موجب مفسده‌ی نوعی است (مجلسی، بی تا، ۱۰؛ حبیب زاده، ۱۳۷۹، ۱۴۸).

حفظ نظام و ممانعت از اختلال در آن و ایجاد نظم در جامعه و ساماندهی به آن، علت یا حکمت بسیاری از احکام و از مقاصد اصلی شریعت اسلام است. شارع مقدس، چه در مرحله‌ی وضع احکام و قوانین و چه در مرحله‌ی اجراء احکام و قوانین، هیچگونه مشروعیتی برای افعال و اموری قائل نیست که موجب اختلال نظام و نابسامانی زندگی مردم می‌شود و از این رو، آن را نفی و از آن، نهی کرده است (انصاری، ۱۴۲۶، ۲/۷۲۰؛ خویی، ۱۴۱۸، ۱/۵۵۵؛ موسوی خمینی، ۱۴۰۹، ۳/۵۱۰).

بررسی ادله‌ی جرم انگاری بغی، نمایان می‌دارد که مناط، ملاک و علت تشریح جرم انگاری بغی و حکم به وجوب مبارزه و جهاد با بغات، ضرورت حفظ نظام و حکومت اسلامی و پیشگیری از هرج و مرج و اختلال در جامعه اسلامی است؛ چراکه از اهداف اصلی باغیان، ایجاد تزلزل در اساس نظام اسلامی و بروز هرج و مرج در جامعه اسلامی و ملاً، سرنگونی حکومت مشروع اسلامی است. این ملاک که محور اصلی مبارزه با باغیان است، احادیث فقهی مستند جرم انگاری بغی نیز به آن، اشاره دارند (حرعاملی، ۱۴۱۴، ۱۵/۸۱-۸۲، ب ۲۶ ح ۷؛ ۱۵/۲۹-۳۰، ب ۶ ح ۲؛ مرعشی شوشتری، ۱۳۷۹، ۱۷۹؛ نائینی، ۱۳۸۸، ۳۹-۴۰، ۸۱؛ عمید زنجانی، ۱۳۸۴، ۲/۷۴). از ظهور ملاک مذکور، به دست می‌آید که شیوه، چگونگی و نوع استفاده از وسایل و ابزار، جهت مقابله با حکومت اسلامی و سرنگونی آن، خصوصیتی ندارند و به برکت این الغاء خصوصیت، به وضوح، نمایان است که براندازی نرم نظام

اسلامی، از مصادیق نوین و امروزیین بغی است و در شمول عنوان بغی قرار دارد و از این رو، جرم بغی، اعم از براندازی سخت و نرم حاکم و حکومت اسلامی را در برمی‌گیرد؛ چه اینکه با عنایت به الغاء خصوصیت مذکور، مناط و ملاک جرم انگاری بغی، به ظهور خود، هرگونه شورش مسلحانه و غیر مسلحانه و اقدام به براندازی نرم و سخت را علیه نظام اسلامی و حاکم جامعه اسلامی را در برمی‌گیرد؛ چراکه از اهداف اصلی و اساسی طراحان و بانیان براندازی نرم، تزلزل در اساس نظام اسلامی، ایجاد هرج و مرج در جامعه اسلامی و مقابله با حاکم و اصل نظام اسلامی و نهایتاً، سرنگونی و سقوط نظام اسلامی است.

با توجه به سخن مذکور، می‌توان هدف و ملاک اصلی و اساسی جرم انگاری بغی را در این دانست که باغیان، با قصد مقابله با حاکم اسلامی و سرنگونی نظام اسلامی، به ارتکاب اعمال و انجام اقداماتی دست می‌یازند که سلامت معنوی و اخلاقی، نظم عمومی، امنیت سیاسی و اجتماعی و آسایش عمومی جامعه‌ی اسلامی را به مخاطره می‌اندازند و موجبات نقض حقوق اجتماعی، ایجاد هرج و مرج، آسیب و ضرر رساندن به امنیت روانی جامعه را فراهم می‌آورند (حسینی شیرازی، ۱۹۸۸، ۱۳۱/۴۸؛ مرعشی شوشتری، ۱۳۷۹، ۱۸۳؛ منتظری، ۱۴۰۹، ۲۴۱/۱). این ملاک، در براندازی نرم نظام اسلامی نیز قابل مشاهده و بر آن، کاملاً، منطبق است؛ چه اینکه براندازان نرم نظام اسلامی با قصد مقابله با حاکم اسلامی و تغییر حکومت و براندازی نظام مشروع اسلامی، به ارتکاب و اجرای سلسله اقدامات و عملیاتی مبادرت می‌ورزند که سلامت معنوی و اخلاقی، نظم عمومی، امنیت سیاسی و اجتماعی و آسایش عمومی جامعه‌ی اسلامی را به مخاطره می‌افکند و موجبات نقض حقوق اجتماعی، ایجاد هرج و مرج، اختلال، آسیب و ضرر به امنیت روانی و سیاسی جامعه را فراهم می‌سازند و از این اشتراک بلکه وحدت هدف و ملاک بین بغی و براندازی نرم نظام اسلامی، چنین نتیجه می‌شود که براندازی نرم نظام اسلامی، مصداق و جلوه‌ی نوین جرم بغی است و در شمول جرم انگاری و کیفرگذاری آن قرار دارد.

۷- نتیجه گیری

آنچه در تعیین نوع جرم براندازی نرم نظام اسلامی، دنبال می‌شود، تعیین عنوان مجرمانه‌ای است که می‌توان براندازی نرم نظام جمهوری اسلامی ایران را در شمول آن، جای داد و به استناد آن، واکنش کیفری برابر اقدامات براندازان نرم نظام جمهوری اسلامی ایران قرار داد. بی‌تردید، جرم براندازی نرم

نظام مشروع اسلامی، از جرایم عمومی است و از شمول دایره‌ی جرم سیاسی، خروج موضوعی دارد؛ چه اینکه در براندازی نرم، اصل و کلیت نظام اسلامی، هدف است و براندازان نرم نظام اسلامی، از مخالفت و مقابله با نظام اسلامی، سقوط آن را دنبال می‌کنند، در حالی که جرم سیاسی، رفتار و اقدامی است که با انگیزه‌ی اصلاح امور کشور علیه مدیریت و نهادهای سیاسی یا سیاست‌های داخلی یا خارجی ارتکاب می‌یابد و هدف و مقصود مرتکب آن، ضربه زدن به اصل نظام نیست.

التفات به شرایط و ویژگی‌های مذکور در فقه جزای شیعه برای تحقق جرم بغی همانند: وجود نظام و حکومت اسلامی مشروع و قیام علیه آن، وجود سازمان و تشکیلات و قصد سرنگونی و تغییر نظام اسلامی مشروع که شرایط و ویژگی‌های براندازی نرم نظام مشروع اسلامی در همپوشانی با آن‌ها قرار دارد و توجه به شمول ادله‌ی جرم انگاری بغی مانند: آیه‌ی شریفه‌ی ۹ سوره‌ی مبارکه‌ی حجرات و روایات ابی‌البختری، ابن مغیره و عبد الرحمن بن حجاج و نیز حکم عقل به حسن و لزوم دفع اقدامات جمعی علیه امنیت کشور و حکومت و نظام سیاسی مشروع که به منظور تغییر و یا سرنگونی حکومت مشروع اسلامی انجام می‌یابد، نسبت به براندازی نرم، در کنار انطباق تعریف بغی به قیام و شورش جمعی و سازمان یافته، علیه حاکم و حکومت مشروع اسلامی و به منظور سرنگونی و تغییر حاکم و یا حکومت مشروع اسلامی، بر براندازی نرم نظام مشروع اسلامی و ملاحظه‌ی جریان هدف و ملاک جرم انگاری بغی که حفظ سلامت معنوی و اخلاقی، نظم عمومی، امنیت سیاسی و اجتماعی و آسایش عمومی جامعه‌ی اسلامی و دفع موجبات نقض حقوق اجتماعی، ایجاد هرج و مرج، اختلال، آسیب و ضرر به امنیت روانی و سیاسی جامعه است، در براندازی نرم نظام مشروع اسلامی، نمایان می‌دارد که براندازی نرم نظام مشروع اسلامی، از مصادیق نوین جرم بغی است و این واقعیت، امکان جرم انگاری براندازی نرم نظام مشروع اسلامی را با رویکرد به مفهوم بغی، به اثبات می‌رساند.

فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- آقابابایی، حسین، (۱۳۸۶)، بررسی فقهی حقوقی جرم براندازی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، چاپ دوم.
- ۳- ابن ادریس، محمد بن منصور، (۱۴۱۰ ق)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ

دوم.

- ۴- ابن براج طرابلسی، عبد العزیز بن براج، (۱۴۰۶ ق)، *المهذب*، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ اول.
- ۵- ابن زهره حلبی، حمزه بن علی، (۱۴۱۷ ق)، *غنیة النزوع*، مؤسسه امام صادق (ع)، قم، چاپ اول.
- ۶- ابن فارس، احمد، (۱۳۸۷)، *ترتیب مقایس اللغة*، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، چاپ اول.
- ۷- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ ق)، *لسان العرب*، دار الفکر، بیروت، چاپ سوم.
- ۸- اردبیلی، احمد بن محمد، (۱۴۰۳ ق)، *مجمع الفائدة و البرهان*، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ اول.
- ۹- انصاری، مرتضی، (۱۴۲۶ ق)، *مطرح الانظار*، مجمع الفکر الاسلامی، قم، چاپ اول.
- ۱۰- انگوتی گلنگدري، محمدرضا، (۱۳۹۶)، *جنگ نرم جنگ اراده‌ها*، انتشارات آوازه ابریشمی، تهران، چاپ اول.
- ۱۱- بحرانی، یوسف بن احمد، (۱۴۰۵ ق)، *الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة*، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ اول.
- ۱۲- تبریزی، جواد، (۱۴۲۶ ق)، *منهاج الصالحین*، مجمع الامام المهدي، قم، چاپ اول.
- ۱۳- جمعی از نویسندگان، (۱۳۸۸)، *گذر از فتنه ۸۸*، حوزه نمایندگی ولی فقیه در سپاه، تهران، چاپ اول.
- ۱۴- جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۰۷ ق)، *صاحح اللغة*، دار العلم للملایین، بیروت، چاپ چهارم.
- ۱۵- حائری طباطبایی، سید علی، (۱۴۱۸ ق)، *ریاض المسائل*، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ اول.
- ۱۶- حبیب زاده، محمدجعفر، (۱۳۷۹)، *محاربه در حقوق کیفری ایران*، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، چاپ اول.
- ۱۷- حرعاملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۴ ق)، *وسائل الشیعه*، مؤسسه آل البيت (ع)، بیروت، چاپ دوم.
- ۱۸- حسینی شیرازی، سید محمد، (۱۹۸۸ م)، *الفقه*، دار العلوم، بیروت، چاپ دوم.
- ۱۹- حسینی مراغی، سید میرعبدالفتاح، (۱۴۱۷ ق)، *العناوین الفقهیه*، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ اول.
- ۲۰- حلی، یحیی بن سعید، (۱۴۰۵ ق)، *الجامع للشرائع*، مؤسسه سید الشهداء، قم، چاپ اول.
- ۲۱- حلبی، تقی الدین بن نجم الدین، (۱۴۰۳ ق)، *الکافی فی الفقه*، کتابخانه‌ی امیرالمومنین (ع)، اصفهان، چاپ اول.
- ۲۲- حکیم، سید محمد تقی، (۱۹۷۹ م)، *الاصول العامه للفقہ المقارن*، مؤسسه آل البيت (ع)، بیروت، چاپ دوم.
- ۲۳- حکیم، سید محسن، (۱۴۰۸ ق)، *حقائق الاصول*، کتاب‌فروشی بصیرتی، قم، چاپ پنجم.
- ۲۴- خویی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۸ ق)، *موسوعه خویی*، مؤسسه خویی، قم، چاپ اول.
- ۲۵- خویی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۰ ق)، *منهاج الصالحین*، نشرمدینه العلم، قم، چاپ بیست هشتم.
- ۲۶- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۳)، *لغت نامه*، دانشگاه تهران، تهران، چاپ اول.

- ۲۷- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۲۴ ق)، *مفردات الفاظ القرآن*، دارالقلم، دمشق، چاپ اول.
- ۲۸- رستمی، محمود، (۱۳۸۶)، *فرهنگ واژه‌های نظامی*، ایران سبز، تهران، چاپ دوم.
- ۲۹- زراعت، عباس، (۱۳۸۳)، *قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کیفری*، انتشارات ققنوس، تهران، چاپ اول.
- ۳۰- سبزواری، سید عبد الاعلی، (۱۴۱۳ ق)، *مذهب الاحکام*، مؤسسه المنار، قم، چاپ چهارم.
- ۳۱- سبزواری، محمد باقر، (۱۴۲۳ ق)، *کفایة الاحکام*، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ اول.
- ۳۲- شهید ثانی، زین الدین بن علی، (۱۴۱۹ ق)، *مسالك الافهام*، مؤسسه معارف اسلامی، قم، چاپ اول.
- ۳۳- طریحی، فخرالدین، (۱۴۱۶ ق)، *مجمع البحرین*، کتابفروشی مرتضوی، تهران، چاپ سوم.
- ۳۴- طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۸۷ ق)، *المبسوط فی فقه الامامیه*، کتابفروشی مرتضوی، تهران، چاپ سوم.
- ۳۵- طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۰ ق)، *النهایه*، دارالکتاب العربی، بیروت، چاپ دوم.
- ۳۶- طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۷ ق)، *الخلاف*، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ اول.
- ۳۷- طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۷ ق)، *التهذیب*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم.
- ۳۸- عرف، جمال، (۱۳۸۷)، *انقلاب رنگی و جمهوری اسلامی ایران*، پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی، تهران، چاپ اول.
- ۳۹- عبدالهی، محمد، (۱۳۹۰)، *دست‌های نامرئی*، ساحل اندیشه، تهران، چاپ هفتم.
- ۴۰- علامه حلّی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۳ ق)، *مختلف الشیعه*، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ دوم.
- ۴۱- علامه حلّی، حسن بن یوسف، (۱۴۲۰ ق)، *تحریر الاحکام الشرعیه*، مؤسسه امام صادق (ع)، قم، چاپ اول.
- ۴۲- علامه حلّی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۰ ق)، *ارشاد الاذهان*، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ اول.
- ۴۳- علامه حلّی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۲ ق)، *منتهی المطلب*، مجمع البحوث الاسلامیه، مشهد، چاپ اول.
- ۴۴- علامه حلّی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۴ ق)، *تذکره الفقهاء*، مؤسسه آل‌البتیت (ع)، قم، چاپ اول.
- ۴۵- عمید زنجانی، عباسعلی، (۱۳۹۳)، *بایسته‌های فقه سیاسی*، انتشارات مجد، تهران، چاپ سوم.
- ۴۶- عمید زنجانی، عباسعلی، (۱۳۸۴)، *فقه سیاسی*، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ چهارم.
- ۴۷- عوده، عبدالقادر، (۱۹۹۴ م)، *التشريع الجنایی الاسلامی*، مؤسسه الرسالۃ، بیروت، چاپ سیزدهم.
- ۴۸- فاروقی، حارث سلیمان، (۲۰۰۸ م)، *المعجم القانونی*، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، چاپ اول.
- ۴۹- فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰ ق)، *العین*، نشر هجرت، قم، چاپ دوم.
- ۵۰- فخر المحققین، محمد بن حسن، (۱۳۷۸ ق)، *ایضاح الفوائد*، مؤسسه اسماعیلیان، قم، چاپ اول.

۵۱- فخلعی، محمد تقی؛ گلباغی ماسوله، سید علی جبار، (۱۳۹۳)، *واکاوی تفصیل منسوب به میرزای قمی در خصوص حجیت ظواهر، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی*، سال دهم، شماره ۳۷، ص ۱۱۱-۱۲۶.

۵۲- قاضی، ابوالفضل، (۱۳۶۸)، *کلیات حقوق اساسی و نهادهای سیاسی*، دانشگاه تهران، تهران، چاپ اول.

۵۳- قهرمان پور، عسکر، (۱۳۹۳)، *دانشنامه قدرت نرم*، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، چاپ اول.

۵۴- کاشف الغطاء، جعفر، (۱۴۲۲ ق)، *کشف الغطاء*، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ اول.

۵۵- کرکی، علی بن حسین، (۱۴۱۴ ق)، *جامع المقاصد فی شرح القواعد*، مؤسسه ال البيت (ع)، قم، چاپ دوم.

۵۶- کیدری، قطب الدین، (۱۴۱۶ ق)، *اصباح الشیعه*، مؤسسه امام صادق (ع)، قم، چاپ اول.

۵۷- گلباغی ماسوله، سید علی جبار؛ سلطانی، عباسعلی؛ فخلعی، محمد تقی، (۱۳۹۷)، *واکاوی قالب شناسی حواله با رویکرد به دیدگاه صاحب عروه، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی*، سال چهاردهم، شماره ۵۲، ص ۱۱۱-۱۲۶.

۵۸- مجلسی، محمد باقر، (بی‌تا)، *حدود و قصاص و دیات*، مؤسسه نشر آثار اسلامی، قم، چاپ اول

۵۹- محقق حلی، جعفر بن حسن، (۱۴۰۸ ق)، *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، انتشارات استقلال، تهران، چاپ دوم.

۶۰- مرعشی شوشتری، سید محمد حسن، (۱۳۷۹)، *دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام*، نشر میزان، تهران، چاپ اول.

۶۱- منتظری، حسینعلی، (۱۴۰۹ ق)، *دراسات فی ولایة الفقیه*، نشر تفکر، قم، چاپ دوم.

۶۲- موسوی خمینی، سید روح الله، (۱۴۲۳ ق)، *تهذیب الاصول*، جعفر سبحانی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، اول.

۶۳- موسوی خمینی، سید روح الله، (۱۴۰۹ ق)، *کتاب البیع*، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، قم، چاپ اول.

۶۴- میرزای قمی، ابوالقاسم، (۱۳۷۸ ق)، *قوانین الاصول*، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چاپ اول.

۶۵- نائینی، محمد حسین، (۱۳۵۲)، *اجود التقریرات*، سید ابوالقاسم خویی، چاپخانه عرفان، قم، چاپ اول.

۶۶- نائینی، محمد حسین، (۱۳۸۸)، *تنبیه الامه وتنزیه المله*، بوستان کتاب، قم، چاپ اول.

۶۷- نائینی، محمد حسین، (۱۳۷۶)، *فوائد الاصول*، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ اول.

۶۸- نجفی، محمد حسن، (۱۳۶۷)، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ سوم.

- ۶۹- نراقی، محمد مهدی، (۱۳۸۴)، *تجربید الاصول*، نشر سید مرتضی، قم، چاپ اول.
- ۷۰- وحید خراسانی، حسین، (۱۴۲۸ ق)، *منهاج الصالحین*، مدرسه امام باقر (ع)، قم، چاپ پنجم.
- ۷۱- هاشمی، سید محمد، (۱۳۷۷)، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، نشر دادگستر، تهران، چاپ سوم.
- ۷۲- هاشمی شاهرودی، سید محمود، (۱۳۷۸)، *بایسته‌های فقه جزاء*، نشر میزان، تهران، چاپ اول.